



"Research article"

doi: 10.30495/jinev.2022.1955218.2688

## The Role of Attribution Styles and Parenting Styles in Predicting Conduct Disorders Mediated by Executive Function in Junior High School Students<sup>1</sup>

Neda Hoseinlou<sup>2</sup>, Mehran Soleymani<sup>3\*</sup>, Reza Ghorban Jahromi<sup>4</sup>

(Received: 2022.04.04 - Accepted: 2022.08.24)

1. This article is taken from the dissertation of Neda Hosseinlou, a Ph. D. student in Educational Psychology, Islamic Azad University, Science and Research Tehran branch
2. Ph.D. Student of Department of Educational Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
3. Associate Professor, Department of Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran
- \* Corresponding author: M-soleimani@azaruniv.ac.ir
4. Assistant Professor, Department of Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### Abstract

The purpose of this study was to investigate the role of parenting styles and attribution styles in predicting conduct disorders mediated by executive function in junior high school students. The statistical population included all high school students in Khoy in the academic year 2019-2020, from which after estimating the sample size using krejcie –Morgan table and multi-stage cluster random sampling method, 400 people were selected. The sampling method was Multi-stage random. In order to collect information, Aachenbach's Child Behavior Inventory (parents' version (2007)), Baumrind (1971) Parenting Styles Questionnaire and Patterson et al.'s (1982) Attribution Styles Questionnaire were used. Structural equation model in Smart-PLS3 and SPSS-25 software was used to analyze the data. The results of data analysis showed that the three values of 0.01, 0.25 and 0.36 as weak, medium and strong values for GOF, showed a good fit of the proposed model. The results also showed positive attribution style with impact factor (-0.202), Permissive Parenting style with impact factor (0.338), Authoritative Parenting style with impact factor (-0.432) and Defects in executive function with impact factor (0.363) had a direct effect on conduct disorder. Considering the effect of Parenting Styles, Attribution Styles and Defects in executive function on Conduct disorder, it is suggested that more research be done to identify more about the mentioned factors and workshops be held for parents on the importance of this issue.

**Keywords:** Attribution Styles, Conduct Disorders, Executive Function, Parenting Styles



## نقش سبک‌های اسنادی و تربیتی در پیش‌بینی اختلال سلوک با واسطه‌گری کارکرد

اجرائی در دانش‌آموزان مقطع اول متوسطه<sup>۱</sup>ندا حسینلو<sup>۲</sup>، مه‌ران سلیمانی<sup>۳\*</sup>، رضا قربان‌چهرمی<sup>۴</sup>

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲)

## چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش سبک‌های تربیتی و اسنادی در پیش‌بینی اختلال سلوک با واسطه‌گری کارکرد اجرائی در دانش‌آموزان مقطع اول متوسطه بود. جامعه آماری، شامل تمامی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر خوی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود که از میان آن‌ها بعد از برآورد حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان و با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۴۰۰ نفر انتخاب شدند. به منظور گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌های سیاهه رفتاری کودک آخنباخ نسخه والدین (۲۰۰۷)، پرسش‌نامه سبک‌های فرزند پروری بامریند (۱۹۷۱) و پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی پترسون و همکاران (۱۹۸۲) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری در نرم افزار Smart-PLS3 و SPSS-25 استفاده شد. نتایج حاصل از بررسی داد‌ها نشان داد سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF نشان از برازش مناسب مدل پیشنهادی داشت. همچنین نتایج نشان داد سبک اسنادی مثبت با ضریب تأثیر (-۰/۲۰۲)، سبک تربیتی سهل‌گیرانه با ضریب تأثیر (۰/۳۳۸)، سبک تربیتی مقتدرانه با ضریب تأثیر (-۰/۴۳۲) و نقص کارکرد اجرائی با ضریب تأثیر (۰/۳۶۳) به صورت مستقیم بر اختلال سلوک تأثیر داشتند. با توجه به تأثیر سبک تربیتی و اسنادی و نقص کارکرد اجرائی در اختلال سلوک، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری جهت شناسایی بیشتر عوامل مذکور انجام گیرد و کارگاه‌های آموزشی برای والدین در زمینه اهمیت این موضوع برگزار شود.

## واژگان کلیدی: اختلال سلوک، سبک‌های تربیتی، سبک‌های اسنادی، کارکرد اجرائی

۱. این مقاله مستخرج از رساله ندا حسینلو دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

\* نویسنده مسئول: M-soleimani@azaruniv.ac.ir

۴. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## مقدمه

اختلال سلوک<sup>۱</sup> که یکی از اختلال‌های رفتاری دوران کودکی و نوجوانی است، با مشکلات متعدد رفتاری، تحصیلی، اجتماعی و هیجانی همراه است که فرایند سازگاری والدین با فرزند را در خانواده با مشکل روبه رو می‌کند (لو، وانگ، نیومن، هیر و سالکین<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱). اختلال سلوک به مثابه یک اختلال از طبقه تشخیص اختلال‌های رفتار ایدایی، کنترل تکانه و سلوک در پنجمین ویرایش راهنمای تشخیصی آماری اختلال‌های روانی<sup>۳</sup>، الگوی رفتاری پایدار و تکرار شونده‌ای شامل نقض حقوق اساسی دیگران و تجاوز از هنجارهای اصلی اجتماعی متناسب با سن کودک یا نوجوان (زیر ۱۸ سال) است. این اختلال ویژه مکان واحد و وابسته به موقعیت خاص نیست، بلکه در آن مشکلات رفتاری در خانه، مدرسه، اجتماع و در میان همسالان و همکلاسان، به طور کامل آشکار است (گنجی، ۱۳۹۸). نشانگان اختلال سلوک حضور چند رفتار ضداجتماعی نسبتاً بادوام و تکراری در موقعیت‌های متفاوت عملکرد فرد و حداقل در یک دوره زمانی یک ساله تعریف شده‌است که شیوع این اختلال در میان ۳ تا ۱۴ درصد کودکان گزارش شده‌است و در پسران سه برابر دختران دیده شده‌است (کیم، وویونگ، دیتریچ و چن<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱). اختلال سلوک در دوره کودکی و نوجوانی اثرات نامطلوب بر زندگی آینده آنان می‌گذارد. مثلاً بزرگسالانی که در کودکی مبتلا به اختلال سلوک تشخیص داده شده بودند، سلامت جسمانی و روانی کمتری بودند (گودجانسن، گونزالس و یانگ<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱). پیش‌آگهی اختلال سلوک نامطلوب بوده و افراد مبتلا در سال‌های آینده در معرض خطر مشکلات دیگری نظیر اختلالات یادگیری و به‌طور خاص اختلالات خواندن، ناتوانی در برقراری ارتباطات عاطفی و اجتماعی، اختلال خلقی، اضطرابی، مصرف مواد، الکلیسم، شخصیت ضداجتماعی و مجرمیت در دوران بلوغ و بزرگسالی هستند (کیم و همکاران، ۲۰۲۱). در باب سبب‌شناسی اختلال سلوک عوامل متعددی مطرح شده‌است که متغیرهای خانوادگی از مهم‌ترین عوامل در علت‌شناسی این مشکلات هستند و از جمله متغیرهای خانوادگی می‌توان به سبک تربیتی<sup>۶</sup> والدین اشاره کرد که در مرکز آسیب‌شناسی کودکان مورد توجه قرار گرفته است. نبودن انضباط و مقررات تعریف شده در خانواده یکی از بزرگترین عوامل اختلال سلوک فرزندان است (یاکی، کینگ و ویکتور<sup>۷</sup>، ۲۰۲۱). از طرفی رفتارهای خشک و خالی از محبت با کودک، سخت‌گیری‌های نابه‌جا، تنبیه نادرست و افراطی، جدایی والدین، ایجاد ترس و وحشت و ناامن بودن محیط خانه همگی بر بروز اختلال سلوک در فرزندان نقش دارند (آذرگون و پوریان، ۱۳۹۷).

1. Conduct Disorder
2. Luo, Wang, Neumann, Hare, Salekin
3. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders
4. Kim, Vuong, Dietrich, Chen
5. Gudjonsson, Gonzalez, Young
6. Parenting Styles
7. Yockey, King, Vidourek

سبک‌های تربیتی، الگوهایی از پرورش فرزندان است که از تعامل بهنجار والدین و پاسخ آن‌ها به رفتار فرزندان شکل می‌گیرد (تاهیرا و جامی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). بامریند<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) دو بعد مستقل در تربیت را که می‌تواند رفتار فرزندان را پیشگویی کند، تبیین کرد؛ بعد اول، پاسخ‌گر بودن که به میزان تغذیه‌کنندگی، گرمی و ابراز هیجانی و تقویت مثبت مرتبط با نظارت فرزندان گفته می‌شود؛ بعد دوم اطاعت‌گری که به نحوه‌ی اعمال کنترل و سطح تقاضا و انتظارات گفته می‌شود. بر اساس این دو بعد، چهار سبک تربیتی به وجود می‌آید مقتدرانه (بالا در هر دو بعد)؛ مستبدانه (بالا در اطاعت‌گری و پایین در پاسخ‌گر بودن)؛ پذیرا (پایین در اطاعت‌گری و بالا در پاسخ‌گر بودن) و سهل‌گیر (پایین در هر دو) (بامریند، ۱۹۸۹؛ به نقل از استلین<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱). والدین نوجوانان مبتلا به اختلال سلوک، معمولاً در تربیت فرزندان قوانین بی‌ثبات، مهارت‌های ضعیف حل مسأله و مسئولیت‌پذیری ضعیف دارند و تعاملاتشان با فرزندان اغلب توأم با تعارض و به شکل سطحی، سرد و طردکننده است. میزان پاسخ‌دهی این والدین به نیازهای فرزندان و همراهی کردن با آن‌ها در فعالیت‌ها عموماً در سطح پایینی است. همچنین وضع قوانین شفاف و به شکل مؤثر برای فرزندان اغلب در این خانواده‌ها دیده نمی‌شود (یاکی و همکاران، ۲۰۲۱). در همین راستا، آذرگون و پوریان (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند سبک‌های تربیتی می‌تواند نقش اساسی در بروز و پیشگیری از بروز اختلالات رفتاری از جمله اختلال سلوک داشته باشد. همچنین، یاکی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به ارتباط مثبت و معنادار سبک تربیتی سهل‌گیرانه و مستبدانه و ارتباط منفی و معنا دار سبک تربیتی مقتدرانه با میزان اختلال سلوک در فرزندان نشان دادند.

علاوه بر متغیرهای مربوط به خانواده، عوامل فردی نیز در سبب شناسی اختلال سلوک مطرح شده‌اند. از جمله عوامل فردی که در پاسخ‌دهی به رویدادهای فشارزا نقش اساسی دارد، به پیش‌بینی و کنترل رویدادها کمک کرده، تبیین‌کننده احساس‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرد می‌باشد و بر چشم‌داشت‌ها، هیجان‌ها و عملکرد آینده فرد تأثیر می‌گذارد، سبک اسناد<sup>۴</sup> است. (دلاور و ابراهیمی، ۱۳۹۲). سبک اسناد شیوه‌ای است که به وسیله آن تلاش می‌کنیم علل پایدار و زیربنایی رفتار دیگران و دلایلی که افراد به شیوه‌های معین عمل می‌کنند، درک کنیم (مهدی زاده، ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۹۳). پترسون<sup>۵</sup> و همکاران (۱۹۸۲) معتقدند که سبک‌های اسنادی دو نوع رویداد را در برمی‌گیرند؛ رویدادهای مثبت و رویدادهای منفی. هر کدام از این مؤلفه‌ها نیز سه مؤلفه دارند. اسناد درونی - بیرونی، اسناد پایدار - ناپایدار و اسناد کلی - جزئی. اسناد درونی - بیرونی عبارت است از نسبت دادن علل موفقیت و شکست به عوامل درون شخص، در مقابل نسبت دادن آن به عوامل خارج از شخص، محیط یا موقعیت. اسناد پایدار -

1. Tahira, Jami  
2. Baumrind  
3. Estlein  
4. Attribution Style  
5. Peterson

ناپایدار شامل نسبت دادن علل موفقیت و شکست به عوامل پایدار و همیشگی، در مقابل علل کوتاه مدت و ناپایدار است. همچنین، اسناد کلی- جزئی به نسبت دادن علل موفقیت و شکست به تمام موقعیت‌ها در برابر نسبت دادن آن به یک موقعیت خاص مربوط است (اشکانی و حیدری، ۱۳۹۳). دانش‌آموزان با اختلال سلوک رفتارهای ناخوشایند را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند که باعث کاهش احساس گناه نسبت به انجام آن رفتارها می‌شود و تکانش‌وری، کینه‌ورزی و بزهکاری را به دنبال خواهد داشت (اسکاینی، کاپوتی، گلیاری و اوپو، ۲۰۲۰). هنگامی که علت رفتار به عوامل بیرون از کنترل فرد نسبت داده می‌شود، حس مسئولیت‌پذیری در برابر آن رفتار کاهش می‌یابد و با توجه به عدم پشیمانی نسبت به انجام رفتار مربوطه، احتمال وقوع مجدد آن افزایش می‌یابد (اشکانی و حیدری، ۱۳۹۳). در تأیید این یافته‌ها، دلاور و ابراهیمی (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند سبک اسنادی یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ها اختلال سلوک در کودکان و نوجوانان است. همچنین، اسکاینی و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی نقش سبک‌های اسنادی در میزان رفتار بزهکاری در افراد مبتلا به اختلال سلوک را نشان دادند.

اختلال سلوک اختلالی پیچیده و چند بعدی است و عوامل متعدد خانوادگی، اجتماعی و فردی در بروز آن دخالت دارند. بنابراین در پژوهش حاضر برای روشن تر شدن علل مؤثر بر این اختلال و شناسایی عوامل زمینه ساز آن در کنار سبک تربیتی والدین و سبک اسناد، از کارکرد اجرائی به عنوان متغیر میانجی استفاده شد (لو و همکاران، ۲۰۲۱). در واقع، مؤلفه مهمی که می‌تواند زمینه بروز اختلالات رفتاری برونی‌سازی شده همراه با خشونت، پرخاشگری، رفتارهای خطرناک و بزه را فراهم کرده و خطر بروز این رفتارها را افزایش دهد، آسیب در کارکردهای اجرائی<sup>۲</sup> است. زیرا باعث کاهش تنظیم شناختی، تنظیم رفتاری شده که این موضوع به نوبه خود می‌تواند باعث افزایش بروز رفتارهای جامعه‌ستیزانه شود (براندس، ریردون، شیلدز و تاکت<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱).

کارکردهای اجرائی مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌های عالی شناختی و فراشناختی ساختاری هستند که با فرایندهای روانشناختی مسئول کنترل هوشیاری، تفکر و عمل مرتبط بوده، و به انسان در زندگی، هدایت و کنترل رفتار، رسیدن به هدف، انجام تکالیف، تصمیم‌گیری، بازداری یادگیری و کنش‌های هوش کمک می‌کنند (وو، ژانگ، وانگ، سان، مائو، هان و کائو<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱). مطالعات عصب-روانشناختی مختلف در مورد اختلال سلوک نشان داده‌اند که مبتلایان به این اختلال در زمینه کارکردهای اجرائی تفاوت آماری معناداری با افراد سالم دارند (جمشیدی، فرخی و سیدزاده دلویی، ۱۳۹۸). کژکاری مدارهای خاص قشر پیشانی، تالاموس و نواحی مخطط مغز که نقش اساسی را در کنش‌های اجرائی مغز بازی

1. Scaini, Caputi, Ogliari, Oppo

2. Executive Functions

3. Brandes, Reardon, Shields, Tackett

4. Wu, Zhang, Wang, Sun, Mao, Han, Cao

می‌کنند، می‌تواند تبیین مناسبی برای ضعف کارکرد اجرائی در کودکان مبتلا به اختلال سلوک باشد (کنت، هاپفر، کورلی، استالینگ، ۲۰۲۲). آسیب در کارکردهای اجرایی باعث اختلال در عملکرد شناختی فرد و به تبع آن اختلال در رفتار خود تنظیمی، مهارت‌های اجتماعی، قضاوت فرد، عدم کنترل خشم و بازداری می‌گردد و زمینه اختلالات رفتاری برون سازی شده همچون اختلال سلوک را فراهم کند (کنت و همکاران، ۲۰۲۲). در همین راستا، طاهری (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان داد نقص در کارکرد اجرائی یکی از پیش‌بینی کننده‌های مهم اختلال سلوک می‌باشد. همچنین، فریک، دارلیک راسموسن و بروکی (۲۰۲۲) در پژوهشی اشاره داشتند نقص در کارکرد اجرائی در افزایش شدت علائم اختلال سلوک و گرایش به رفتار منحرفانه نقش دارد.

اختلال سلوک یکی از رایج‌ترین اختلالات دوره کودکی هست و از عمده‌ترین دلایل ارجاع به مراکز درمانی است. از طرفی پیش‌آگهی نامطلوب، میزان شیوع بالا و تأثیر مخرب بر عملکرد تحصیلی، روابط اجتماعی و شغلی دانش‌آموزان و نوجوانان اهمیت پژوهش در این زمینه را دوچندان می‌کند. با توجه به اینکه، کودکان و نوجوانان قشر عظیمی از جمعیت هر کشور، خصوصاً جامعه ما را تشکیل می‌دهند؛ همچنین سرمایه‌های پر ارزشی برای جامعه هستند و عامل مهمی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به شمار می‌روند؛ بنابراین شناسایی عوامل تأثیرگذار و تهدیدکننده سلامت روانی آن‌ها، به صورت علمی، ضرورت می‌یابد. همچنین، با توجه نقش سبک‌های تربیتی، اسنادی و نقص کارکرد اجرائی در اختلال سلوک و کمبود پیشینه پژوهشی در این زمینه در نمونه دانش‌آموزان، پژوهش حاضر با یک نگاه جامع نگرانه به نقش پیش‌بینی کننده این مؤلفه‌ها در تبیین سلوک می‌پردازد و به دنبال این است که با شناسایی هر چه بیشتر عوامل زمینه ساز این اختلال و روشن کردن ماهیت آن، راهنمای مفیدی برای مشاوران و درمانگران این حوزه باشد و مشاوران و درمانگران بر مبنای آن بتوانند راهکارهای علمی سودمندی برای ارتقاء سطح عملکرد تحصیلی، شغلی و اجتماعی دانش‌آموزان فراهم کنند. لذا با توجه به مطالب ذکر شده پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سوالات زیر است:

۱. آیا سبک‌های تربیتی و اسنادی و کارکرد اجرائی بر اختلال سلوک اثر مستقیم دارند؟
۲. آیا سبک‌های تربیتی و اسنادی با میانجی‌گری کارکرد اجرائی بر اختلال سلوک اثر غیر مستقیم دارند؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی با استفاده از روش مدل یابی روابط ساختاری است. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر خوی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود. که تعداد آن‌ها

۱۸۶۵۰ است. که از میان آن‌ها بعد از برآورد حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان و با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۴۰۰ نفر انتخاب شدند. در توجیه انتخاب نمونه ۴۰۰ نفری می‌توان گفت با توجه به تعداد افراد جامعه آماری (۱۸۶۵۰) و مراجعه به جدول کرجسی و مورگان باید نمونه ۳۷۰ نفری انتخاب می‌شد که برای جلوگیری از ریزش احتمالی نمونه و بالابردن قدرت تعمیم نتایج حدود ۱۰ درصد بیشتر و نزدیک ۴۰۰ نفر انتخاب شدند. به این صورت که ابتدا از بین مناطق ۱ و ۲ شهرستان خوی، منطقه ۱، از بین دبیرستان‌های منطقه ۱، ۴ دبیرستان، از بین این ۴ دبیرستان، ۵ کلاس و از هر کلاس، ۲۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. محقق با حضور در کلاس‌های مذکور و توضیح در مورد اهداف تحقیق و اعلام آمادگی آزمودنی‌ها پرسش‌نامه‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار داد. از جمله ملاک‌های ورود به پژوهش دانش‌آموز سال دوم به بالا بودن، زندگی در کنار والدین، آگاهی از اهداف پژوهش و رضایت برای شرکت در پژوهش بود. همچنین ملاک‌های خروج از پژوهش عبارتند از بیماری جسمانی و روانی تأثیرگذار بر نتایج پژوهش بود. برای رعایت اصول اخلاق پژوهشی و رعایت حقوق افراد از آنان خواسته شد تا در صورتی که مایل نیستند در تکمیل پرسش‌نامه‌ها شرکت نکنند. نهایتاً توضیح داده شد که پرسش‌نامه‌ها محرمانه و بدون نام است، نتایج آن برای یک کار پژوهشی است.

### ابزار سنجش

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به متغیرها از این ابزارها استفاده شد.

**سیاهه رفتاری کودک آخنباخ نسخه والدین:** پرسش‌نامه رفتاری کودک از مجموعه فرم‌های موازی آخنباخ ASEBA بوده و مشکلات کودکان و نوجوانان را در ۸ عامل اضطراب/ افسردگی، انزوا/ افسردگی، شکایت‌های جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، نادیده گرفتن قواعد و رفتار پرخاشگرانه ارزیابی می‌کند. دو عامل نادیده گرفتن قواعد و رفتار پرخاشگرانه عامل مرتبه دوم مشکلات برون‌سازی شده را تشکیل می‌دهند و از نمرات این دو عامل برای سنجش اختلال سلوک می‌توان استفاده کرد. این پرسش‌نامه ۱۱۳ سوال در رابطه با انواع حالات رفتاری کودکان تشکیل شده است. پاسخ به سوالات این پرسش‌نامه به صورت لیکرت ۳ گزینه‌ای از ۰ تا ۲ می‌باشد. بدین ترتیب که نمره "۰" به مواردی تعلق می‌گیرد که هرگز در رفتار کودک وجود ندارد؛ نمره "۱" به حالات و رفتارهایی داده می‌شود که گاهی اوقات در کودک مشاهده می‌شود و نمره "۲" نیز به مواردی داده می‌شود که بیشتر مواقع یا همیشه در رفتار کودک وجود دارد. نمره برش این پرسش‌نامه ۶۹ می‌باشد و نمرات بالاتر از آن نشان‌دهنده مشکل بالینی می‌باشد. ضرایب کلی اعتبار فرم‌های CBCL با استفاده از

آلفای کرونباخ ۰/۹۷ و با استفاده از اعتبار بازآزمایی ۰/۹۴ گزارش شده است. (آخنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۷). یزدخواستی و عریضی (۱۳۹۰) ضریب اعتبار آلفای کرونباخ را برای این پرسش‌نامه در سه فرم والدین، معلم و کودک به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۹۳ و ۰/۸۲ به دست آوردند. در پژوهش حاضر ضریب اعتبار آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه در سه فرم والدین، معلم و کودک به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۰ و ۰/۸۸ به دست آمد.

**پرسش‌نامه سبک‌های فرزند پروری بامریند<sup>۲</sup>:** فرم اولیه این پرسش‌نامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دیانا بامریند (۱۹۷۱) طراحی و ساخته شد. این پرسش‌نامه والدین را از لحاظ میزان پاسخگر بودن و اطاعت‌گر بودن بررسی می‌کند. در نهایت با توجه به میانگین نمرات افراد در ابعاد پاسخگر بودن (میزان تغذیه‌کنندگی، گرمی و ابراز هیجانی و تقویت مثبت مرتبط با نظارت فرزندان اطاعت) و اطاعت‌گر بودن (نحوه‌ی اعمال کنترل و سطح تقاضا و انتظارات) برای طبقه‌بندی شرکت‌کنندگان در سه نوع سبک فرزندپروری استبدادی، سهل‌گیرانه، و اقتدارمنش استفاده می‌شود. روایی و پایایی این پرسش‌نامه در پژوهش‌های مختلف تأیید شده است. والدین با مطالعه هر ماده نظر خود را برحسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌کنند. نقطه برش این پرسش‌نامه برای هر کدام از سبک‌های فرزند پروری ۳۰ می‌باشد. پایایی پرسش‌نامه مزبور را با استفاده از روش بازآزمایی در بین مادران به ترتیب برای ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیری، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۶ برای شیوه مقتدرانه و در بین پدران به ترتیب ۰/۷۷ برای شیوه سهل‌گیری، ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۸ برای شیوه قاطع گزارش نمود (بامریند، ۱۹۷۱). در مطالعه فراهینی، افروز و رسول زاده طباطبایی (۱۳۹۲) اعتبار این پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۴ برای الگوی اقتدارمنطقی، ۰/۷۲ برای الگوی استبدادی و ۰/۷۶ برای الگوی سهل‌گیرانه به دست آمد. در پژوهش حاضر، اعتبار این پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۸ برای الگوی اقتدارمنطقی، ۰/۷۶ برای الگوی استبدادی و ۰/۸۱ برای الگوی سهل‌گیرانه به دست آمد.

**پرسش‌نامه‌ی سبک‌های اسنادی<sup>۳</sup>:** وسیله خودگزارشی است و برای تعیین سبک اسنادی افراد توسط پترسون، سلیگمن، سمل، بایر، آبرامسونو متالکسی<sup>۴</sup> (۱۹۸۲) ساخته شده است. این پرسش‌نامه یک ابزار خود-گزارشی است که سبک‌های تبیین را در سه بعد مورد بررسی قرار می‌دهد. در این پرسش‌نامه آزمودنی‌ها ابتدا باید علت یک رویداد را بنویسند و سپس آنرا بر روی یک مقیاس هفت درجه‌ای از نظر

1. Rescorla  
2. Baumrind Parenting Styles Questionnaire  
3. Attributional Style Questioner  
4. Semmel, Baeyer, Abramson, Metalsky



میزان درونی بودن، پایداری و فراگیری مشخص کنند. از آنجا که هدف از تهیه این پرسش‌نامه بررسی سبک تبیین اشخاص در موقعیت‌های گوناگون بوده است، در این پرسش‌نامه ۱۲ رویداد فرضی مطرح شده است. نیمی از این موقعیت‌ها مثبت و نیم دیگر منفی می‌باشند. بنابراین ۶ رویداد مربوط به موقعیت‌های خوب و ۶ رویداد دیگر به موقعیت‌های بد مربوط می‌شوند. در این پرسش‌نامه برای موقعیت‌های مثبت و منفی نمره به صورت مجزا براساس میزان درونی بودن، پایداری و فراگیری محاسبه و تحت عنوان سبک اسناد مثبت و منفی مشخص می‌شود. برای هر کدام از وقایع مثبت نمره ۱ پایین‌ترین یا بدترین نمره است در حالی که نمره ۷ بالاترین است. در مقابل برای موقعیت‌های منفی، نمره ۱ بالاترین یا بهترین و نمره ۷ پایین‌ترین یا بدترین است. ابتدا از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود که یک علت اصلی را برای هر رویداد فرضی بیان کنند و سپس آنرا بر روی یک مقیاس هفت درجه‌ای در هر سه بعد رتبه‌بندی کنند (پترسون و همکاران، ۱۹۸۲). در ایران، یعقوبی، فروتن‌بقا و محقق (۱۳۹۳) ضریب آلفای کرونباخ را برای پیامد ناخوشایند درونی ۰/۵۳، پیامد خوشایند درونی ۰/۵۵، پیامد ناخوشایند پایدار ۰/۵۱، پیامد خوشایند پایدار ۰/۴۹، پیامد ناخوشایند همه شمول ۰/۴۸ و پیامد خوشایند همه شمول ۰/۵۰ به دست آمده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ را برای پیامد ناخوشایند درونی ۰/۵۹، پیامد خوشایند درونی ۰/۶۴، پیامد ناخوشایند پایدار ۰/۵۷، پیامد خوشایند پایدار ۰/۵۳، پیامد ناخوشایند همه شمول ۰/۵۸ و پیامد خوشایند همه شمول ۰/۵۲ به دست آمده است.

**پرسش‌نامه کارکردهای اجرایی<sup>۱</sup>:** پرسش‌نامه کارکردهای اجرایی کولیدج<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) شامل ۱۹ آیتم است که بایستی توسط والدین تکمیل شود. این پرسش‌نامه نقایص کارکردهای اجرایی را مورد سنجش قرار می‌دهد. هر اختلال در این آزمون دارای خرده مقیاس مشخص و مجزاست که دو مورد از این خرده مقیاس‌ها با ۱۹ گویه به ارزیابی کارکردهای اجرایی می‌پردازد. این آزمون دارای مقیاس ۴ درجه‌ای است: ۱- هیچ‌وقت، ۲- گاهی اوقات، ۳- معمولاً، ۴- همیشه. به طوری که برای پاسخ هیچ‌وقت نمره صفر، گاهی اوقات نمره ۱، معمولاً نمره ۲ و همیشه نمره ۳ تعلق می‌گیرد. سؤالات ۱ تا ۸ کارکرد تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی، سؤالات ۹ تا ۱۶ سازمان‌دهی و سؤالات ۱۷ تا ۱۹ بازداری را مورد سنجش قرار می‌دهند. بنابراین بیشترین و کمترین نمره در این آزمون ۵۷ و صفر است. نمره ۳۰ و بالاتر نشان دهنده مشکل قابل توجه در فرد است. آزمون کولیدج دارای اعتبار ۰/۹۲ در تشخیص اختلال‌های کارکردهای اجرایی می‌باشد. (کولیدج، ۲۰۰۲). در ایران، علیزاده و زاهدی پور (۱۳۸۳) پایایی برای دو خرده مقیاس سازماندهی و تصمیم‌گیری - برنامه‌ریزی و بازداری را به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۶۶ گزارش کردند. همچنین، همسانی

1. Executive Function Questionnaire

2. Coolidge

درونی دو خرده مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ  $0/91$  به دست آمد. در پژوهش حاضر، پایایی برای دو خرده مقیاس سازماندهی و تصمیم‌گیری- برنامه ریزی و بازداری را به ترتیب  $0/91$  و  $0/65$  بدست آمد.

### روش اجرا

در پژوهش حاضر از روش پرسش‌نامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شد. به این منظور، در ابتدا پس از کسب مجوز از مسئولین دانشگاه آزاد اسلامی خوی و هماهنگی با مدیران مدارس متوسطه منتخب در شهرستان خوی، به اجرای پژوهش پرداخته و از دانش‌آموزان خواسته شد تا پرسش‌نامه‌های مورد نظر را تکمیل نمایند. قبل از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، به طور مختصر در مورد اهداف و اهمیت پژوهش برای دانش‌آموزان توضیح داده شد و همچنین اطمینان خاطر به آن‌ها داده شد که اطلاعات کسب شده محرمانه خواهند ماند. از مجموعه‌ی پرسش‌نامه‌های ارائه شده و جمع‌آوری شده، برخی پرسش‌نامه‌ها به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شدند. در نهایت  $400$  پرسش‌نامه کامل بودند و برای تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری در نرم افزار Smart-PLS3 و SPSS-25 استفاده شد.

### یافته

در مجموع  $400$  دانش‌آموز پرسش‌نامه‌ها را تکمیل نمودند.  $200$  نفر دانش‌آموزان دختر و  $200$  نفر پسر بودند. میانگین و انحراف معیار سن آزمودنی‌ها به ترتیب برابر با  $14/3$  و  $1/01$  سال بود. میانگین سن والدین پاسخگو در این مطالعه برابر با  $40/8$  سال و نیز سن  $40$  ساله دارای بیشترین فراوانی بود.

جدول ۱. توصیفات آماری متغیرهای پژوهش

Table 1  
Descriptive Statistic of Variables

متغیر Variables	میانگین Mean	انحراف معیار Standard deviation	کمترین Minimum	بیشترین Maximum
اختلال سلوک Conduct disorder	39.41	12.97	18	54
سبک سهل‌گیرانه Indulgent	28.18	9.44	10	47
سبک مستبدانه Authoritarian	29.18	10.58	10	75
سبک مقتدرانه Authoritative	38.58	10.11	11	50
سبک اسناد مثبت Positive Attributional style	69.64	32.80	18	126
سبک اسناد منفی Negative Attributional style	67.21	28.54	18	124
کارکرد اجرایی Executive Functions	25.62	8.37	2	55

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین نمره اختلال سلوک (۳۹/۴۱)، سبک سهل‌گیرانه (۲۸/۱۸)، سبک مستبدانه (۲۹/۱۸)، سبک مقتدرانه (۳۸/۵۸)، سبک اسناد مثبت (۶۹/۶۴)، سبک اسناد منفی (۶۷/۲۱) و کارکرد اجرائی (۲۵/۶۲) بود.

به منظور سنجش نقش سبک‌های تربیتی و اسنادی در پیش بینی اختلال سلوک با واسطه‌گری کارکرد اجرائی و ارائه مدل مفهومی در این زمینه، از مدل معادلات ساختاری (SEM) استفاده شده است. معیار  $GOF^1$  مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است که توسط این معیار محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. برای بررسی برازش در یک مدل کلی تنها یک معیار به نام  $GOF$  استفاده می‌شود. نتایج معیار  $GOF$  برای متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. معیار  $GOF$  متغیرهای پژوهش

Table 2

GOF of research variables

Q <sup>2</sup>	R Square	Communality	Variables
0.550	0.608	0.626	اختلال سلوک Conduct disorder
-	-	0.509	سبک سهل‌گیرانه Indulgent
-	-	0.512	سبک مستبدانه Authoritarian
-	-	0.682	سبک مقتدرانه Authoritative
-	-	0.621	سبک اسناد مثبت Positive Attributional style
-	-	0.492	سبک اسناد منفی Negative Attributional style
0.627	.758	0.700	کارکرد اجرائی Executive Functions
	1.366	5.955	مجموع Total
	0.683	0.595	میانگین Communalities

در نتیجه میانگین برابر است با ۰/۵۹۵. با توجه به مقادیر  $R^2$  که در جدول بالا آمده در نتیجه  $\overline{R^2}$  برابر است با: ۰/۶۸۳. بدین ترتیب مقدار  $GOF$  محاسبه شده برابر با ۰/۶۳۷ است. این نکته را باید مدنظر قرار داشت که مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان مرتبه دوم را نباید در محاسبه  $GOF$  دخیل نمود و مقادیر  $R^2$

مربوط به تمامی متغیرهای پنهان درون‌زای مدل اعم از مرتبه اول و دوم در محاسبه در نظر گرفته می‌شوند ولی نباید مقادیر  $R^2$  متغیرهای پنهان برون‌زا در محاسبه GOF دخیل نمود. با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF، حاصل شدن ۰/۶۳۷ نشان از برازش قوی مدل ۲ دارد و پیش‌بینی مدل و برازش مناسب مدل ساختاری تأیید می‌شود. نتایج حاصل از خروجی‌های PLS نشان می‌دهد بیشتر فرضیات پژوهش مورد تأیید قرار گرفته‌اند. جدول ۳ ضریب معناداری و نتایج روابط مطرح‌شده در مدل تحقیق را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد.

جدول ۳. بررسی معناداری ضرایب تأثیر برآورده شده مدل تحقیق

Table 3  
Significance of the impact coefficients of the research model

نتیجه Result	سطح معناداری Significance level	ارزش T T Value	ضریب تأثیر برآورده شده Estimated impact factor	مسیر direction
تأیید	0.016	2/423	-0.202	سبک اسناد مثبت -> اختلال سلوک Positive Attributional style to Conduct disorder
تأیید	0.001	5.200	-0.340	سبک اسناد مثبت < کارکرد اجرائی Positive Attributional style to Executive Functions
رد	0.638	0.471	0.031	سبک اسناد منفی -> اختلال سلوک Self- Negative Attributional style to Conduct disorder
تأیید	0.001	4.503	0.235	سبک اسناد منفی -> کارکرد اجرائی Negative Attributional style to Executive Functions
تأیید	0.001	3.367	.338	سبک تربیتی سهل گیرانه -> اختلال سلوک Indulgent to Conduct disorder
تأیید	0.047	1.976	0.138	سبک تربیتی سهل گیرانه -> کارکرد اجرائی Indulgent to Executive Functions
رد	0.437	.0778	-0.074	سبک تربیتی مستبدانه -> اختلال سلوک Authoritarian to Conduct disorder
تأیید	0.001	4.511	0.354	سبک تربیتی مستبدانه -> کارکرد اجرائی Authoritarian to Executive Functions
تأیید	0.001	5.972	-0.432	سبک تربیتی مقتدرانه -> اختلال سلوک Authoritative to Conduct disorder
تأیید	0.037	2.089	-0.142	سبک تربیتی مقتدرانه -> کارکرد اجرائی Authoritative to Executive Functions
تأیید	0.001	4.364	0.362	کارکرد اجرائی -> اختلال سلوک Executive Functions to Conduct disorder

با توجه به یافته‌های جدول (۳) و معنی‌داری مسیر مابین کلیه متغیرها به جز (سبک اسنادی منفی به اختلال سلوک و سبک تربیتی مستبدانه به اختلال سلوک)، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای آزمودن اثر غیرمستقیم سبک تربیتی و اسنادی بر اختلال سلوک، از طریق کارکرد اجرائی از روش بوت استرپ<sup>۱</sup> و فاصله‌ی اطمینان حاصل از آن استفاده گردید و نتایج آن در جدول ۴ ارائه شد.

جدول ۴. نتایج روش بوت استرپ جهت بررسی روابط غیرمستقیم

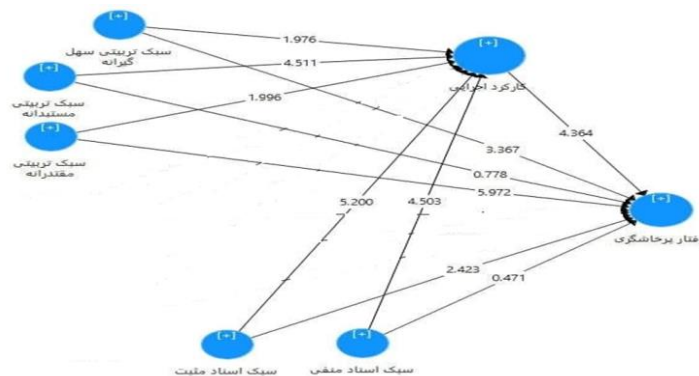
Table 4

Results of Bootstrap method for examining indirect relationships

سطح معناداری Significance level	حد بالا upper limit	حد پایین Low limit	T ارزش T Value	ضریب تأثیر impact factor	مسیر direction
0.001	0.130	0.041	3.142	0.078	سبک اسناد مثبت -> کارکرد اجرائی -> اختلال سلوک Positive Attributional style to Executive Functions to Conduct disorder
0.21	-0.076	-0.140	-0.345	-0.017	سبک اسناد منفی -> کارکرد اجرائی -> اختلال سلوک Negative Attributional style to Executive Functions to Conduct disorder
0.001	0.219	0.076	3.754	0.125	سبک تربیتی سهل گیرانه -> کارکرد اجرائی -> اختلال سلوک Indulgent to Executive Functions to Academic satisfaction
0.12	-0.132	-0.310	-2.978	-0.640	سبک تربیتی مقتدرانه -> کارکرد اجرائی -> اختلال سلوک Authoritarian to Executive Functions to Conduct disorder
0.006	0.059	0.012	2.514	0.034	سبک تربیتی مقتدرانه -> کارکرد اجرائی -> اختلال سلوک Self-Authoritative to Executive Functions to Conduct disorder

با توجه به مندرجات جدول شماره (۳)، متغیرهای سبک اسناد مثبت، سبک تربیتی سهل گیرانه و مقتدرانه به صورت غیرمستقیم از طریق کارکرد اجرائی بر اختلال سلوک دانش‌آموزان تأثیر معنی‌داری دارند، چرا که مقادیر t value برآورد شده در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ معنادار و از مقدار ۱/۹۶ بالاتر می‌باشد، همچنین با توجه به این که فواصل اطمینان موردنظر با توجه به حدود پایین و بالای ذکر شده، صفر را در بر نمی‌گیرند بنابراین روابط غیرمستقیم ذکر شده معنادار می‌باشد.

پس از تعیین مدل‌های اندازه‌گیری به منظور ارزیابی مدل مفهومی تحقیق و همچنین اطمینان یافتن از وجود یا عدم وجود رابطه علی میان متغیرهای تحقیق و بررسی تناسب داده‌های مشاهده‌شده با مدل مفهومی تحقیق، فرضیات تحقیق با استفاده از مدل معادلات ساختاری نیز آزمون شدند. نتایج آزمون فرضیات پژوهش در نمودار منعکس شده‌اند. در مدل ۱ مدل نهایی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سبک‌های تربیتی و اسنادی در پیش‌بینی اختلال سلوک با واسطه‌گری کارکرد اجرایی در دانش‌آموزان مقطع اول متوسطه انجام شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبک تربیتی مقتدرانه رابطه منفی و معنادار و سبک تربیتی سهولت‌گیرانه رابطه مثبت و معناداری با اختلال سلوک دارند. این یافته با یافته پژوهش‌های گرمسیری مهوار و شکرزاده (۱۳۹۸)؛ آذرگون و پوریان (۱۳۹۷)؛ معاش اصل و همکاران (۱۳۹۵) و یاکو و همکاران (۲۰۲۱) همسو می‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت خانواده‌هایی که از روش‌های مقتدرانه بهره می‌گیرند، می‌دانند که باید کودک خود را برای مقابله با مشکلات و ناملایمات آماده سازند. همچنین والدین می‌دانند که بدون وجود آن‌ها تحمل مشکلات برای کودکانشان امکان‌پذیر نیست، بنابراین به‌جای تنبیه و خشونت و رفتارهای ناعادلانه به فرزند خود آموزش‌های لازم را برای مقابله با مصائب زندگی می‌دهند. در این الگوی تربیتی کودک هرگز طرد نمی‌شود و فراتر از رفتارهای ناشایستی که از او سر می‌زند مورد توجه واقع می‌شود و رفتارهای مثبت او نیز همواره مورد تشویق قرار می‌گیرد و به‌این ترتیب احساس دوست داشتن را در کودکان خود پرورش می‌دهند و این سبب خواهد شد که میل به همکاری و حس اعتماد به نفس و عزت نفس در کودکان برانگیخته شود و در نتیجه کودکان در چنین محیطی سازگاری بیشتری را در اجتماع خود نشان خواهند داد. بدیهی است که با چنین روش فرزندپروری و تربیتی، زمینه برای رفتارهای

مطلوب کودکان فراهم می‌شود و این کودکان کمتر دچار رفتارهای ناشایست و اختلال سلوک خواهند شد (یاکی و همکاران، ۲۰۲۱). در واقع، شیوه‌های تربیتی والدین اغلب بر حسب تعامل میان دو شیوه رفتاری، در تغییر است. بعد اول به بررسی رابطه عاطفی با فرزند می‌پردازد و به رفتاری بی‌توجه و طرد کننده ختم می‌شود. بعد دوم نظارت والدین بر کودک را در برمی‌گیرد و از رفتاری محدود کننده و مطالبه کننده تا روشی آسان‌گیر و بی‌ادعا متغیر است و در آن برای رفتار کودک، محدودیت‌های کمی منظور شده است. حال می‌توان چنین نتیجه گرفت که ترکیب روش سهل‌گیرانه و عدم نظارت والدین همراه با خشونت و طرد، پیشگویی کننده‌ای معتبر برای اختلال سلوک است. به نظر می‌رسد که شیوه‌های سهل‌گیرانه از سبک‌های تربیتی ناکارآمد است و سبب بروز مشکلات رفتاری و اختلال سلوک در کودکان می‌شود (آذرگون و پوریان، ۱۳۹۷).

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبک اسناد مثبت رابطه منفی و معناداری با اختلال سلوک دارد. این یافته با یافته پژوهش‌های جوهری و علیجانی (۱۴۰۰)؛ معظمی و دادگر (۱۳۹۸)؛ دلاور و ابراهیمی (۱۳۹۲) و اسکینی و همکاران (۲۰۲۰) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت گرایش‌های اسنادی در سازگاری هیجانی از اهمیت بالایی برخوردارند. در واقع سبک‌های اسنادی بر نگرش‌ها، چشم‌داشت‌ها، هیجان‌ها، شیوه‌های مقابله و سلامت روان افراد تأثیر قابل توجهی دارند. سبک‌های اسنادی منفی با اضطراب، افسردگی ارتباط دارند و در طولانی مدت بر عملکرد اجتماعی، شغلی و خانوادگی فرد تأثیر دارند و کیفیت زندگی فرد را پایین می‌آورند. (معظمی و دادگر، ۱۳۹۸).

دانش‌آموزان با اختلال سلوک در رویارویی با مشکلات توان کمتری در ارتباط با اطرافیان داشته و مهارت اجتماعی و خود ابرازگری کمتری نیز دارند، لذا به تدریج حالت درون‌گرایی، افسردگی و اضطراب بیشتری را حس می‌کنند، که این وضعیت به نوبه خود می‌تواند باعث ایجاد سبک اسنادی بدبینانه‌تری در زندگی شود. از طرفی اسناد ناخوشایند و ناپسند به عوامل بیرونی، سبب کاهش احساس گناه نسبت به آن عمل در فرد می‌شود. هنگامی که علت رفتار به عواملی خارج از کنترل فرد نسبت داده می‌شود حس مسئولیت‌پذیری در برابر آن رفتار کاهش می‌یابد. به نظر می‌رسد دانش‌آموزان با اختلال سلوک رضایت کمتری از زندگی عادی خود و فعالیت مربوط به مدرسه (رضایت) داشته و احساس مثبت کمتری درباره زندگی و تعاملات اجتماعی دارند (بهزیستی) و نسبت به همتایان عادی احساس داخل و شامل بودن (تعلق اجتماعی) کمتری نشان می‌دهند، لذا این وضعیت نیز به نوبه خود می‌تواند باعث ایجاد سبک اسنادی بدبینانه‌تری در این دانش‌آموزان شود (دلاور و ابراهیمی، ۱۳۹۲).

علاوه بر این نتایج پژوهش حاضر نشان داد نقص کارکرد اجرائی ارتباط مثبت و معناداری با اختلال سلوک دارد. این یافته با یافته پژوهش‌های عبدالرحیم‌پور و همکاران (۱۳۹۹)؛ طاهری (۱۳۹۶)؛ ارجمندنی و همکاران (۱۳۹۴) و فریک و همکاران (۲۰۲۲) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت

کارکردهای اجرایی به افراد کمک می‌کند تا بر آنچه لازم است، تمرکز کنند و رفتارهای نامناسب مانند پرخاشگری را کنترل کنند. در نتیجه آسیب در کارکردهای اجرایی باعث اختلال در عملکرد شناختی فرد و به تبع آن اختلال در رفتار خودتنظیمی، مهارت‌های اجتماعی، قضاوت فرد و نقص در کنترل خشم می‌شود ( عبدالرحیم پور و همکاران، ۱۳۹۹)

کودکان مبتلا به اختلال سلوک به حوادثی که در اطرافشان اتفاق می‌افتد توجه ندارند و نمی‌توانند رفتارهای خود را برای دستیابی به هدف هدایت کند. همچنین آن‌ها هیچ برنامه‌ریزی و سازماندهی برای حل مشکل ندارند. کنترل تداخل که به اعتقاد بارکلی همان توجه پایدار است و نقش مهمی در تداوم و استحکام رفتار هدفمند دارد، یکی از کارکردهای بازداری است. بر این اساس، نارسایی توجه نوعی پیامد ثانویه است که در اثر اختلال در کارکردهای اجرایی به وجود می‌آید. به دیگر سخن، آسیب رسیدن به بازداری رفتاری و کنترل ضعیف، مانع خودگردانی کارآمد می‌شود و رفتارهای تکانشی تظاهر چنین وضعیتی است (فریک و همکاران، ۲۰۲۲). علاوه بر این، نقایص اولیه در فرایندهای شناختی از قبیل فرایندهای توجهی و بازداری به نوبه خود به نقایص ثانویه در استدلال کردن، تعامل اجتماعی و عملکرد تحصیلی در کودکان منتهی می‌شود. در نتیجه آسیب در کارکردهای اجرایی باعث اختلال در عملکرد شناختی فرد و به تبع آن اختلال در رفتار خودتنظیمی، مهارت‌های اجتماعی، قضاوت فرد و نقص در کنترل خشم می‌شود. همچنین نقص کارکردهای اجرایی ممکن است کودکان را در معرض خطر انزوای اجتماعی، مشکلات بین‌فردی با همسالان و خانواده، تکانشگری، خشونت و هنجارشکنی و افزایش رفتارهای مرتبط با اختلال سلوک کند (طاهری، ۱۳۹۶).

علاوه بر این نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبک‌های تربیتی و اسنادی از طریق کارکرد اجرائی بر اختلال سلوک اثر غیرمستقیم و معنی‌داری دارد. این یافته با یافته پژوهش‌های جمشیدی و همکاران (۱۳۹۸)؛ عسکری، تیموری و یزدان پناه (۱۳۹۷)؛ کنت و همکاران (۲۰۲۲) و شیلدز و همکاران (۲۰۲۱) همسو می‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت بازداری و مهار تکانه‌ها مهم‌ترین مؤلفه کارکردهای اجرایی شناختی است که در مبتلایان به اختلال سلوک نقص دارد. نقص در مهار تکانه، یا همان کژکاری سیستم کنترل و بازداری رفتاری یک عامل خطر اصلی برای اختلال سلوک باشد. مطابق با مفروضه نقص در مهار تکانه نوجوانان مبتلا به اختلال سلوک در نتیجه خودتنظیمی و خودکنترل‌گری پایین مستعد ارتکاب رفتارهای بزهکارانه اند. این خود تنظیمی پایین هم در سطوح تنظیم شناختی و هم در سطوح تنظیم هیجانی نمود می‌یابد و برجسته‌ترین نشانه‌های رفتاری آن را می‌توان در رفتارهای بزهکارانه و توأم با خشونت مبتلایان به اختلال سلوک مشاهده نمود (طاهری، ۱۳۹۶). علاوه بر این، افراد مبتلا به سلوک در مواجهه با شرایط و اتفاقات ناگوار، دیگران را مقصر و متهم اصلی در بروز شرایط پیش آمده می‌دانند و



این افراد در مقابله با فشارها و رویدادهای منفی زندگی دیگران را سرزنش نموده، در نهایت خود را عاجز و ناتوان احساس می‌کنند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۸). در واقع، با توجه به اینکه در افراد مبتلا به اختلال سلوک، علت رفتار به عوامل بیرون از کنترل فرد نسبت داده می‌شود، حس مسئولیت‌پذیری در برابر آن رفتار کاهش می‌یابد و با توجه به عدم پیشبینی نسبت به انجام رفتار مربوطه، احتمال وقوع رفتارهای مرتبط با اختلال سلوک افزایش می‌یابد (اسکاینی و همکاران، ۲۰۲۲). از طرف دیگر اتخاذ سبک تربیتی نامناسب، مشخص نبودن انتظارات والدین از فرزندان، تنبیه‌های بدخواهانه و خشونت‌های غیرمنطقی، تصور بی‌احترامی و بی‌توجهی را در ذهن کودک ایجاد می‌کند و چنین برداشتی منجر به برخی رفتارهای ضداجتماعی مانند فرار از خانه، پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی و مشکلات رفتاری می‌شود. در مقابل، والدینی که پیرو الگوی مقتدرانه در تربیت فرزند خود بوده‌اند در برخورد با رفتارهای اشتباه کودک همیشه بر رفتارهای او تأکید کرده و هرگز شخصیت کودک خود را تخریب نکرده‌اند و اگر هم تنبیه شده صرفاً به دلیل نارضایتی از انجام دادن رفتارهایش بوده است و به‌جای اینکه کودک را هراسان و پریشان کنند سعی کرده‌اند به اصلاح رفتار بیشتر توجه کنند. این سبب خواهد شد که میل به همکاری و حس اعتماد به نفس و عزت‌نفس در کودکان برانگیخته شود و در نتیجه کودکان در چنین محیطی سازگاری بیشتری را در اجتماع خود نشان خواهند داد و کمتر درگیر رفتارهای مرتبط با اختلال سلوک شوند (آذرگون و پوریان، ۱۳۹۷).

بنابراین می‌توان گفت ترکیبی از نقص در کارکرد اجرائی، سبک اسنادی ناخوشایند و ناپسند و سبک تربیتی نامناسب می‌تواند احتمال ارتکاب رفتارهای پرخاشگرانه و تکانشی در کودکان مبتلا به اختلال سلوک را افزایش دهد.

مانند سایر مطالعات، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجهه بوده است. نمونه موردنظر فقط از تنها شامل دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه دختر شهر خوی بود و این مسئله تعمیم نتایج را با احتیاط مواجهه می‌کند. استفاده از پرسش‌نامه خودگزارشی دیگر محدودیت پژوهش حاضر بود. در راستای محدودیت‌های این پژوهش پیشنهاد می‌گردد برای تعمیم پذیری بیشتر، پژوهش‌هایی در یک حجم نمونه بزرگتر از دانش‌آموزان دختر و پسر انجام شود و همچنین در کنار پرسش‌نامه از مصاحبه برای افزایش غنای اطلاعات بهره برد. با توجه به تأثیر سبک تربیتی و اسنادی در اختلال سلوک، پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی برای والدین در زمینه اهمیت این موضوع برگزار شود.

### تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش و افرادی که ما را در انجام این مطالعه یاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

## References

## منابع

- آذرگون، میلاد و پوریان، احمد. (۱۳۹۷). بررسی رابطه سبک های فرزند پروری با تاب آوری و مقایسه آن در کودکان با و بدون اختلال سلوک. *همایش ملی روان شناسی و سلامت با محوریت خانواده و زندگی سالم*، شیراز.
- ارجمندنیا، علی اکبر؛ رویتوند غیاثوند، صغری و شریفی، علی (۱۳۹۴). بررسی رابطه کارکردهای اجرایی و باورهای غیر منطقی در نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار. *فصل نامه پژوهش های کاربردی روان شناختی*، ۶(۲)، ۱-۱۴.
- اشکانی، فرح و حیدری، حسن. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش تنظیم هیجانی بر بهزیستی روان شناختی و سبک های اسنادی دانش آموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری مقطع دبستان. *ناتوانی های یادگیری*، ۴(۱)، ۴-۲۲.
- جمشیدی، صفورا؛ فرخی، حسین و سیدزاده دلویی، سیدایمان. (۱۳۹۸). مقایسه توجه پایدار، حافظه کاری و بازداری پاسخ در کودکان دارای اختلال سلوک و بهنجار. *رویش روان شناسی*، ۸(۱۱)، ۱۶۸-۱۵۹.
- جوهری، محسن و علیجانی، فاطمه. (۱۴۰۰). مقایسه ویژگی شخصیتی و سبک دلبستگی و رفتار پرخطر در نوجوانان عادی و دارای اختلال سلوک. *فصلنامه روان شناسی کاربردی*، ۱۵(۴)، ۱۷۸-۱۵۷.
- دلاور، علی و ابراهیمی، آسیه. (۱۳۹۲). بررسی نقش عوامل فردی و خانوادگی در اختلال سلوک (فرا تحلیلی بر مطالعات انجام شده در ایران). *مطالعات روان شناسی بالینی*، ۳(۱۰)، ۱۳۷-۱۱۶.
- طاهری، مرجان. (۱۳۹۶). مقایسه کارکردهای اجرایی و مهارت های تنظیم شناختی هیجان در نوجوانان مبتلا به اختلال سلوک و عادی. *ماهنامه پیشرفت های نوین در علوم رفتاری*، ۲(۹).
- عبدالرحیم پور، رقیه؛ بیرامی، منصور و هاشمی نصرت آباد، تورج. (۱۴۰۰). مقایسه کارکردهای اجرایی در کودکان با اختلال رفتاری برونی سازی شده و عادی با در نظر گرفتن نقش جنسیت. *فصلنامه کودکان / استثنایی*، ۲۱(۲)، ۴۹-۶۲.
- عسکری، هدیه؛ تیموری، سعید و یزدان پناه، فرشته. (۱۳۹۷). مقایسه کارکردهای اجرایی نوجوانان مبتلا به نارسایی توجه / فزون کنشی با نوجوانان مبتلا به اختلال سلوک. *سیزدهمین کنفرانس بین المللی روان شناسی و علوم اجتماعی*، تهران.
- علیزاده، حمید و زاهدی پور، مهدی. (۱۳۸۳). کارکردهای اجرایی در کودکان با و بدون اختلال هماهنگی رشدی. *تازه های علوم شناختی*، ۶ (۳ و ۴)، ۴۹-۵۶.
- فراهینی، ندا؛ افروز، غلامعلی و رسول زاده طباطبایی، سید کاظم. (۱۳۹۲). رابطه ی شیوه های فرزند پروری والدین و کمرویی با خلاقیت در تیزهوشان. *روان شناسی مدرسه*، ۲(۴)، ۱۳۷-۱۵۳.

گرمسیری مهوار، عطاءالله و شکرزاده، شهره. (۱۳۹۸). اثرات شیوه‌های فرزندپروری بر نشانگان اختلال سلوک دانش‌آموزان دوره متوسطه منطقه پاکدشت. *فصلنامه علمی- پژوهشی خانواده و پژوهش*، ۱۶(۴)، ۱۴۲-۱۲۳.

گنجی، حمزه. (۱۳۹۸). *آسیب‌شناسی روانی براساس DSM-5*. تهران: انتشارات ساوالان.  
معاش اصل، سمیه؛ بیرامی، منصور و محمود علیلو، مجید. (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های فرزندپروری با علائم اختلال سلوک در دانش‌آموزان. *دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه*، اردیبهشت.  
معظمی، شهلا و دادگر، آناهیتا. (۱۳۹۸). مقایسه اختلال سلوک و بزهکاری در دختران نوجوان مناطق ۵ و ۱۳ شهر تهران با رویکرد پیشگیری از جرم. *فصلنامه علمی رهیافت پیشگیری از جرم*، ۲(۴)، ۱۳-۳۶.

مهدی‌زاده، زهرا؛ ابوالقاسمی، عباس و رستم اوغلی، زهرا. (۱۳۹۳). نقش پردازش اطلاعات و سبک‌های اسناد در پیش‌بینی کیفیت زندگی دانش‌آموزان دارای بدشکلی بدن. *روان‌شناسی مدرسه*، ۳(۴)، ۱۱۱-۱۲۷.

یزدخواستی، فریبا و عریضی، حمیدرضا. (۱۳۹۰). هنجاریابی سه نسخه کودک، پدر/ مادر و معلم سیاهه رفتار کودک در شهر اصفهان. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۷(۱)، ۷۰-۶۰.  
یعقوبی، ابوالقاسم؛ فروتن بقا، پریسا و محقق، حسین. (۱۳۹۳). بررسی اثر بخشی آموزش امید بر سبک‌های اسنادی دانشجویان. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۵(۱۷)، ۳۳-۱۹.

Abdolrahimpour, R., Bayrami, M., & Nosratabad, T. H. (2021). Comparison of Executive Functions between Children with Externalized Behavioral Disorder and Normal Children Considering the Role of Gender. *Journal of Exceptional Children*, 21(2): 49-62 [In Persian].

Achenbach, T. M., & Rescorla, L. A. (2001). *ASEBA school age forms profiles*. Burlington: University of Vermont, research center for children, youth & families.

Alizadeh, H., & Zahedipour, M. (2005). Executive functions in children with and without developmental coordination disorder. *Cognitive science*, 6(3): 49-56 [In Persian]

Arjmandnia, A. A., Roytvand-Ghiasvand, S., & Sharifi, A. (2015). Relationship between Executive Function and Cognitive Distortions on Delinquent Juveniles and Non-Delinquent Juveniles. *Applied Psychological Research Quarterly*, 6(2): 1-14 [In Persian].

Ashkani, F., Heydari, H. (2014). Effects of emotional adjustment on psychological welfare and attributional styles of students with learning disabilities in primary school. *Journal of Learning Disabilities*, 4(1): 6-22 [In Persian].

Askari, H., Teimouri, S., and Yazdan Panah, F. (2017). Comparison of the executive functions of adolescents with attention deficit/hyperactivity disorder

- with adolescents with conduct disorder. The 13th International Conference of Psychology and Social Sciences, Tehran [In Persian].
- Azargoun, M., & Pourian, A. (2017). Investigating the relationship between parenting styles and resilience and comparing it in children with and without behavioral disorders. National conference of psychology and health focusing on family and healthy life, Shiraz, [In Persian].
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4(1- 2): 1-103. <http://dx.doi.org/10.1037>
- Brandes, C. M., Reardon, K. W., Shields, A. N., & Tackett, J. L. (2021). Towards construct validity of relational aggression: An examination of the Children's Social Behavior Scale. *Psychological assessment*.
- Coolidge, F. (2002). The Coolidge personality and neuropsychological Inventory for children: The CPNI. Colorado: university of Colorado at Colorado Springs.
- Delavar, A., & Ebrahimi, A. (2013). A Study of the Role of Individual and Family Factors in Conduct Disorder: Meta-Analysis of Studies Previously Done in Iran. *Clinical Psychology Studies*, 3(10): 116-137 [In Persian].
- Estlein, R. (2021). Parenting as a communication process: Integrating interpersonal communication theory and parenting styles conceptualization. *Journal of Family Theory & Review*, 13(1): 21-33.
- Farahini, F., Afrooz, G., & Rasoolzadeh-Tabatabaiee, K. (2014). The relationship between parenting styles, shyness and creativity in the gifted. *Journal of School Psychology*, 2(6-24/4): 137-153 [In Persian].
- Frick, M. A., Darling Rasmussen, P., & Brocki, K. C. (2022). Can attachment predict core and comorbid symptoms of attention-deficit/hyperactivity disorder beyond executive functions and emotion regulation? *British Journal of Clinical Psychology*, 61(1): 93-111.
- Ganji, H. (2018). *Psychopathology based on DSM-5*. Tehran: Savalan Publications, [In Persian].
- Garmsiri Mahvar, A., & Shokrzadeh, S. (2019). The Impacts of Parenting Styles on the Symptoms of Conduct Disorder among High School Students in Pakdasht. *QJFR*, 16(4):123-142 [In Persian].
- Gudjonsson, G. H., Gonzalez, R. A., & Young, S. (2021). The risk of making false confessions: The role of developmental disorders, conduct disorder, psychiatric symptoms, and compliance. *Journal of Attention Disorders*, 25(5): 715-723.
- Jamshidi, S., Farrokhi, H., & Seyedzadeh Dalooyi, S. I. (2020). Comparison of sustained attention, working memory and response inhibition in children with conduct disorder and normal. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*, 8(11): 159-168 [In Persian].
- Johari, M., & Alijani, F. (2021). Comparison of personality traits and attachment style and high-risk behavior in normal adolescents with conduct disorder. *Journal of Applied Psychology*, 15(4): 178-157 [In Persian].

- Kent, K. R., Hopfer, C. J., Corley, R. P., & Stallings, M. C. (2022). Executive functions as a mediator of childhood maltreatment on adult psychopathology: a longitudinal mediation analysis comparing maltreatment factor models. *Child Abuse & Neglect*, 123, 105369.
- Kim, S. S., Vuong, A. M., Dietrich, K. N., & Chen, A. (2021). Proximity to traffic and exposure to polycyclic aromatic hydrocarbons in relation to Attention Deficit Hyperactivity Disorder and conduct disorder in US children. *International journal of hygiene and environmental health*, 232, 113686.
- Luo, J., Wang, M. C., Neumann, C. S., Hare, R. D., & Salekin, R. T. (2021). Factor structure and construct validity of the Proposed Specifiers for Conduct Disorder (PSCD) scale in Chinese adolescents. *Assessment*, 28(7): 1765-1784.
- Maash Asl, S., Beyrami, M., & Mahmoud Alilou, M. (2018). The relationship between parenting styles and behavior disorder symptoms in students. *The second national school psychology conference*, Ardabil, [In Persian].
- Mahdizadeh, Z., Abolghasemi, A., & Rostamoghli, Z. (2015). The role of cognitive processing and attribution styles in predicting quality of life in the students with dysmorphic disorder. *Journal of School Psychology*, 3(4): 111-127 [In Persian].
- Moazzami, S., & Dadgar, A. (2019). Comparison of Conduct Disorder and Delinquency in Adolescent Girls in Districts 5 and 13 of Tehran. *Crime Prevention Approach*, 2(4): 13-36 [In Persian].
- Peterson, C., Semmel, A., Von Baeyer, C., Abramson, L. Y., Metalsky, G. I., & Seligman, M. E. (1982). The attributional style questionnaire. *Cognitive therapy and research*, 6(3): 287-299.
- Scaini, S., Caputi, M., Ogliari, A., & Oppo, A. (2020). The relationship among attributional style, mentalization, and five anxiety phenotypes in school-age children. *Journal of Research in Childhood Education*, 34(4): 551-565.
- Taheri, M. (2017). Comparison of executive functions and cognitive emotion regulation skills in adolescents with conduct disorder and normal adolescents. *The Journal of New Advances in Behavioral Sciences*, 2 (9): 1-15 [In Persian].
- Tahira, Q., & Jami, H. (2021). Association between Social Adjustment and Perceived Parenting Styles in Punctual, Truant, and High Achieving School Going Students: A Moderating Model. *Nature-Nurture Journal of Psychology*, 1(2): 33-44.
- Wu, L., Zhang, X., Wang, J., Sun, J., Mao, F., Han, J., & Cao, F. (2021). The associations of executive functions with resilience in early adulthood: A prospective longitudinal study. *Journal of Affective Disorders*, 282, 1048-1054.
- Yaghoobi, A., Forotan Bagha, P., & Mohagheghi, H. (2014). The effect of hope teaching Snyder on attributional style of student. *Clinical Psychology Studies*, 5(17): 19-33 [In Persian].

- 
- Yazdkhasti, F., & Oreyzi, H. (2011). Standardization of Child, Parent and Teacher's Forms of Child Behavior Checklist in the City of Isfahan. *IJPCP*, 17(1): 60-70 [In Persian].
- Yockey, A., King, K., & Vidourek, R. (2022). Past-year suicidal ideation among transgender individuals in the United States. *Archives of suicide research*, 26(1): 70-80.
- Abasi Kasani, H., Shams Moorkani, GH., Seraji, F., & Rezai Zadeh, M. (2019). devices for learner evaluation in electronic learning environment. *Technology Roshd*, 61(16): 21-33 [In Persian].